

پرونده ۱

رئیس هیئت

نقش شهید مطهری در اندیشه فلسفی معاصر

محمد فنائی اشکوری

شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۳۹۸ ه. ش) از پیشروان اندیشه و حکمت اسلامی در روزگار ما بود. وی پس از تحصیل مقدمات علوم دینی در کنار ادامه تحصیل در علوم نقلی به فلسفه روی آورد. در حدود ۱۳۲۳ در درس‌های شرح منظومه و اسفار امام خمینی شرکت نمود و مدت‌ها از محضر امام بهره برد. پس از آشنایی با علامه طباطبایی در سال ۱۳۲۹ به حلقه فلسفی او پیوست و از شاگردان ممتاز و از همفکران او گردید به طوری که علامه شرح اثر فلسفی مهمش اصول فلسفه را به مطهری واگذار کرد. وی فلسفه ابن سینا را نزد این حکیم آموخت. او همچنین مدتی از محضر درس حکیم میرزا مهدی آشتیانی استفاده نمود.

مطهری در سال ۱۳۳۱ به تهران منتقل گردید و در سه عرصه حوزه، دانشگاه و جامعه فعالیت فکری اش ادامه داد و در این مدت کوشید با اندیشه‌های نو به‌ویژه فلسفه غرب آشنا گردد. او با تدریس در دانشگاه، سخنرانی در محافل مختلف از جمله حسینیه ارشاد و انتشار کتب و مقالات بسیار، نقش مهمی در بیداری اسلامی و رشد فهم دینی جامعه ایرانی ایفا نمود. اصالت اندیشه، رسایی بیان و تأثیر قلم مطهری موجب شد که وی به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی و پشتوانه فکری و فلسفی آن شناخته شود.

تدریس فلسفه اسلامی در حوزه و دانشگاه و نگارش آثار فلسفی از علایق و اشتغالات دائمی وی بود. شرح وی بر کتاب اصول فلسفه علامه طباطبایی که از نخستین آثار دوره جوانی مطهری است، آن را به پرخواننده ترین کتاب فلسفی معاصر ایران تبدیل کرد. او در طی عمرش کتب و مقالات بسیاری در مسائل مختلف فلسفی تألیف کرد. کتاب‌های فلسفی بسیاری نیز پس از شهادتش با استفاده از درس‌های ضبط شده او منتشر گردید، مانند شرح‌های وی بر الهیات شقای ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا و شرح منظومه ملاحادی سبزواری. از مطهری آثار کلامی بسیاری نیز برجای مانده است که با مشرب فلسفی نگاشته شده اند، مانند کتاب عدل الهی، و مجموعه هفت جلدی مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی. از وی آثاری نیز در حوزه‌های مختلفی چون تفسیر قرآن، فقه، عرفان، تاریخ، سیاست و تعلیم تربیت برجای مانده است.

خطوط کلی سیره فلسفی شهید مطهری

شهید مطهری هم در تدریس متون سنتی فلسفه اسلامی چیره دست بود، هم در تألیف آثار، هم در نوآوری و هم در فهم و تحلیل و نقادی فلسفه‌های دیگر.

مطهری یک نقطه عطف در تفکر و ادبیات فلسفی در ایران است. پیش از او آثار فلسفی بسیار تخصصی بوده و در محدوده اقلیت بسیار کوچکی مورد توجه واقع می‌شد. البته شرایط زمانی دوره مطهری با پیشینیان متفاوت بوده و در زمان او زمینه‌ها و امکانات توجه عمومی به فلسفه بسیار مساعدتر بود. اما تأثیر شیوه او در طرح مباحث فلسفی در این باب ممتاز است.

یکی از ویژگی‌های شهید مطهری تنوع و گستردگی موضوعاتی است که او درباره آنها اندیشیده است. این تنوع هم در موضوعات فلسفی و هم در موضوعات غیر فلسفی چشمگیر است. هر موضوعی را که او احساس می‌کرد بحث درباره آن به نفع دین است، مورد توجه و پژوهش قرار می‌داد. هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، دین‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق، فقه، حقوق، تاریخ، اقتصاد، اجتماع و انقلاب برخی از موضوعاتی هستند که مطهری درباره آنها قلم زده و سخن رانده است.

از خصوصیات مطهری در نگارش فلسفه، فارسی نگاری است. گرچه در میان آثار پیشینیان نیز به آثار فارسی برمی‌خوریم، اما زبان علمی حاکم در حوزه‌های علمیه اسلامی و از جمله ایران زبان عربی بوده است و سنت غالب در فلسفه نگاری نیز به همین زبان بوده است. مهمترین آثار فلسفی اسلامی از آغاز تا به امروز به زبان عربی بوده است، با اینکه اکثر پدیدآرندگان این آثار فارسی زبان بوده‌اند؛ و چون آشنایان با زبان عربی در ایران محدود بوده‌اند، طبیعتاً جز عده اندکی به این آثار روی نمی‌آوردند.

در همه جا فلسفه به دشواری و پیچیدگی معروف است. حتی فلاسفه‌ای که در طول تاریخ در ایران آثارشان را به زبان فارسی نوشته‌اند، از دشواری فهم آنها چندان نکاسته‌اند. یکی از ویژگی‌های مطهری در تبیین مباحث فلسفی وضوح بیان او است. قریحه ذاتی و تجربه تدریس و القای مباحث فلسفی در محیط‌های مختلف حوزوی و دانشگاهی و عمومی به او توانایی فوق العاده‌ای در بیان واضح مباحث دشوار فلسفی داده است. او حتی گاهی در منبری که برای مردم عادی کوچه و بازار سخن می‌راند، مباحث عمیق فلسفی را به صورت قابل فهمی طرح می‌نمود، بدون اینکه از دقت و اتقان مطلب بکاهد.

از خدمات او به تفکر اسلامی طرح مباحث نو و کوشش برای یافتن پاسخ‌های اسلامی به آن است. مباحثی همچون فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ و انسان‌شناسی به شکلی که امروزه مطرح است و مطهری مطرح می‌کند، در فلسفه اسلامی بی سابقه است. او چون اسلام را با مقتضیات زمان هماهنگ می‌داند و خود این بحث را به نحو عمیقی طرح کرده است، به این سنخ مباحث کشیده می‌شود و می‌کوشد روایتی اسلامی از این مباحث جدید را ارائه دهد. او این شیوه را در مباحث دینی غیر فلسفی نیز بکار می‌گیرد.

یکی دیگر از شاخصه‌های فلسفه ورزی مطهری طرح تطبیقی مباحث فلسفی است. او به جهت آشنایی با برخی از فلسفه‌های غربی از کسانی است که نخستین قدم‌ها را در طرح تطبیقی مباحث فلسفی برداشته است. مطهری به نحو مبسوطی ابعاد مختلف مکتب مارکسیسم از ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی تا اقتصاد و سیاست مارکسی را تجزیه و تحلیل و نقادی کرده و مسائل مختلف آن را با دیدگاه‌های اسلامی مقایسه کرده است. در شرح اصول فلسفه به ویژه در مباحث مربوط به معرفت‌آرای برخی فلاسفه غربی و مکتب‌های عقلی و تجربی غرب را

یکی از

ویژگی‌های مطهری

در تبیین مباحث فلسفی

وضوح بیان او است.

قریحه ذاتی و

تجربه تدریس و

القای مباحث فلسفی

در محیط‌های مختلف

حوزوی و دانشگاهی و

عمومی به او توانایی

فوق العاده‌ای

در بیان واضح

مباحث دشوار فلسفی

داده است.

یکی دیگر از

شاخصه‌های

فلسفه ورزی مطهری

طرح تطبیقی مباحث

فلسفی است.

او به جهت آشنایی با

برخی از فلسفه‌های غربی

از کسانی است که

نخستین قدم‌ها را

در طرح تطبیقی

مباحث فلسفی

برداشته است.





متعرض شده است. همچنین در دروسی که برای برخی اساتید و مترجمان فلسفه غرب القا نمود و تحت عنوان شرح مبسوط منظومه پس از شهادت وی انتشار یافت، مطهری به بررسی آرای برخی از فلاسفه غربی همچون هیوم، کانت و هگل پرداخته است. او در آثار مختلفش اندیشه‌های فلاسفه غربی از یونان باستان تا فیلسوفان معاصر را مورد بحث و نقد قرار داده است.

از دیگر ویژگی‌های تفکر فلسفی مطهری توجه به تاریخ فلسفه در مباحث فلسفی است. او هرچند فرصت نیافت که یک دوره تاریخ فلسفه اسلامی تدوین کند، اما شاید او نخستین فیلسوف اسلامی است که به اهمیت تاریخ فلسفه توجه داشته و گام‌هایی نیز در این راه برداشته است. از جمله او طرحی نو از تاریخ‌نگاری فلسفه اسلامی را در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران ارائه داد.

شرح و تفسیر فلسفه صدرایی، نقد مارکسیسم و برخی از دیگر فلسفه‌های جدید غرب، طرح جدیدی از بحث شناخت، فطرت، فلسفه تاریخ، و طرح الهیات یا کلام جدید با نگاهی نو برخی از خدمات شهید مطهری به تفکر معاصر اسلامی است. در شرح اندیشه‌های شهید مطهری کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری نوشته شده است، اما هنوز تحلیل جامعی از کل ساختمان تفکر فلسفی او صورت نگرفته است.

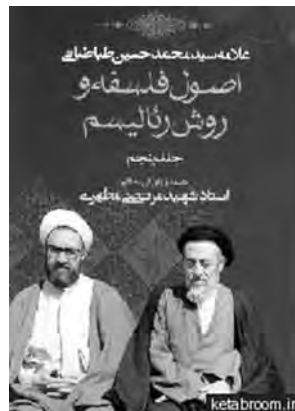
بی‌شک مطهری تأثیرگذارترین متفکر در حوزه تفکر و پژوهش دینی در ایران معاصر است و به جرأت می‌توان گفت که کمتر تحقیق و تأملی در حوزه دین می‌توان یافت که رد پای از تفکر، روش و ادبیات مطهری را در آن نتوان مشاهده کرد؛ و این سخنی است که درباب هیچ فرد دیگری نمی‌توان صادق دانست.

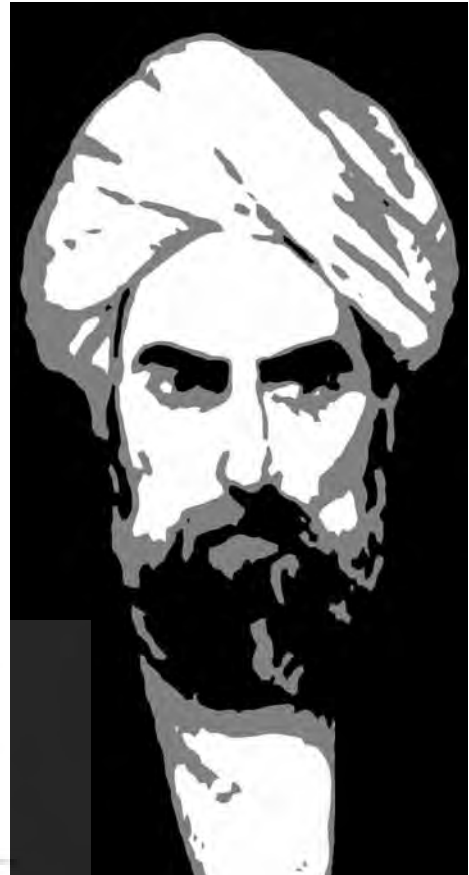
او با اینکه فیلسوفی صدرایی بود، اما استقلال رأی داشت و نقد اندیشه‌ها پیشه او بود. او حتی برخی از آرای استاد بسیار محبوب و مورد احترامش علامه طباطبایی را نیز مورد نقادی قرار می‌داد. مثلاً او در بحث اعتباریات رأی علامه را نقد و نظری متفاوت با نظر علامه اتخاذ می‌کند.

مطهری کلام سنتی را قادر به تبیین و دفاع از باورهای دینی نمی‌داند. ولی فلسفه الهی اسلام را در این زمینه بسی تواناتر می‌داند. امتیاز متکلمانی مثل نصیر الدین طوسی را در تفکر فلسفی آنها می‌داند. او می‌کوشد کلامی عقلانی با استفاده از میراث اسلامی و معارف امروزی تأسیس کند.

مطهری هرچه دین را عقلانی‌تر می‌یابد، اعتقادش راسخ‌تر می‌شود. از پرسش و شبهه و حتی شک نمی‌هراسید، بلکه آن را مقدمه یقین می‌دید. شک را موقف مناسبی نمی‌دید، اما معبر مناسبی برای وصول به یقین می‌دانست. اهتمام او به عقلانیت و روش عقلانی در فهم و تفسیر معارف دینی و دفاع از آن در برابر هجوم اندیشه مادی او را به سوی تفکر فلسفی سوق می‌داد. از نظر او اساساً ضعف عقلانیت از علل عمده در گرایش به مادی‌گری است. او به ظرفیت اسلام و پیروزی آن در میدان بحث عقلانی سخت ایمان داشت.

دیگر ویژگی‌های
تفکر فلسفی مطهری
توجه به تاریخ فلسفه
در مباحث فلسفی است.
او هرچند
فرصت نیافت که
یک دوره تاریخ
فلسفه اسلامی تدوین کند،
اما شاید او نخستین
فیلسوف اسلامی است که
به اهمیت تاریخ فلسفه
توجه داشته و
گام‌هایی نیز
در این راه
برداشته است.





مطهری برخلاف برخی از فیلسوفان سنتی، که فلسفه را محبوس در متون سنتی آن می‌بینند، فلسفه را در خدمت حل مسائل فکری مستحده بکار می‌گیرد و از روش فلسفی به عنوان روشی برای حل مسائل فکری در عرصه‌های مختلف بهره می‌گیرد. او هم به خود فلسفه اسلامی فی نفسه توجه عمیق دارد و هم از آن برای تبیین و دفاع از باورهای خود و نقد اندیشه‌های مخالف استفاده می‌کند.

با همه امتیازاتی که در تفکر و فلسفه ورزی مطهری هست، اما از نظر اصول تفکر فلسفی مطهری مانند دیگر فلاسفه اسلامی معاصر می‌اندیشد و اختلاف بنیادی با آنان ندارد. برخی از این اصول تفکر عبارتند از واقعیت‌گرایی، اعتبار منطق ارسطویی-سینوی، خدامحوری، قول به امکان معرفت، نفی نسبییت معرفت، نفی ماده‌گرایی و حس‌گرایی و اعتقاد به اعتبار روش‌های مختلف معرفت (حسی، تجربی، عقلی، شهودی و عرفانی). او نیز فیلسوفی صدرایی است و به تبع ملاصدرا قائل به اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، تجرد و بقاء نفس است؛ هرچند در بسیاری از مسائل تقریر ویژه خود را دارد و در برخی مسائل فرعی نیز دارای آرای خاصی است.

هرچند استاد مطهری آرای جدید و بدیعی دارد که قابل توجه و بحث است، اما برای علاقمندان به فلسفه توجه به سیره فلسفی مطهری، شیوه تفکر فلسفی و فلسفه پژوهی او سودمند تر از جستجو در آرای فلسفی اوست. سیره فلسفی او می‌تواند چراغی باشد برای رهروان وادی اندیشه که افق‌های پیش رو را روشن تر ببینند و با سرعت و دقت بیشتری گام‌های نو را بردارند.

فلسفه اسلامی، ریشه‌ها و منابع آن

شهید مطهری اذعان دارد که فلسفه اسلامی دنباله فلسفه یونانی است که در قرون دوم و سوم هجری به عربی توسط برخی از مسیحیان و مسلمانان ترجمه شد. بنابراین می‌توان گفت مسلمین دوازده قرن است که "حیات فلسفی" دارند. اما "حیات عقلی" مسلمانان همراه با ظهور اسلام است و چهارده قرن سابقه دارد.^۱ قبل از ترجمه آثار فلسفی یونانی و اسکندرانی مسلمانان به توصیه قرآن و پیشوایان دین در باب مسائل بنیادین هستی به تفکر می‌پرداختند. آنها با تکیه بر این میراث عقلانی توانستند فلسفه را به نحو کمی و کیفی متحول سازند.

مسلمانان فقط به بازگویی فلسفه یونانی بسنده نکردند، بلکه بسیاری از مباحث فلسفه یونانی را تعمیق بخشیدند، تقریری نو از مسائل کهن ارائه دادند، ادله جدیدی بر دعاوی فلسفی اقامه کردند و نتایج تازه‌ای گرفتند.^۲ علاوه بر این، آنها مسائل جدیدی را طرح کردند که در فلسفه‌های پیشین مطرح نبود. مطهری در یکجا می‌گوید که مسائل فلسفه یونان حدود دویست مسئله بود، اما مسلمانان آن را به هفتصد مسئله رساندند.^۳ وی برخی از مسائل مستحدث در فلسفه اسلامی را چنین برمی‌شمرد: «مسائل عمده وجود یعنی اصالت وجود، وحدت وجود، وجود ذهنی، احکام عدم، امتناع اعاده معدوم و همچنین مسئله جعل، مناط احتیاج شیء به علت، اعتبارات ماهیت، معقولات ثابته فلسفی، برخی اقسام تقدم، اقسام حدوث، انواع ضرورت‌ها و امتناع‌ها و امکان‌ها، برخی اقسام وحدت و کثرت، حرکت جوهری، تجرد نفوس حیوان، تجرد برزخی نفس انسان علاوه بر تجرد عقلی، جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس، فاعلیت بالتسخیر، وحدت نفس و بدن، نوع ترکیب ماده و صورت، وحدت در کثرت قوای نفس، بازگشت ارتباط معلول به علت به اضافه اشراقیه، معاد جسمانی برزخی، بعد رابع بودن زمان، قاعده بسیط الحقیقه، علم بسیط اجمالی باری در عین کشف تفصیلی.»^۴

شهید مطهری خاطر نشان می‌کند که برخی از این عنوان‌ها در فلسفه‌های پیشین هم هست، اما از جهت محتوا آنچه در فلسفه اسلامی آمده است کاملاً بی سابقه است. مثلاً در باب وحدت وجود می‌گوید: «وحدتی که عرفای مسلمین و سپس فلاسفه مسلمین در جهان می‌دیدند و از آن به "وحدت وجود" تعبیر می‌کردند، با وحدتی که در سایر مکاتب هست و اروپاییان همه آنها را "وحدت وجود" می‌نامند، کاملاً متفاوت است. مثلاً نظریه افلوطن که مدعی است: وجود، شیئیت، همه از شؤون مخلوقات و تجلیات ذات باری است و ذات باری فوق شیئیت است، چگونه با نظریه عرفا و حکمای مسلمین قابل انطباق است که حقیقت وجود و حقیقت شیئیت را مساوی با ذات حق می‌دانند و غیر او را "فیئ" می‌دانند نه "شیء" و "نمود" می‌دانند نه "بود".»^۵

ملاصدرا

مانند بسیاری دیگر از

مؤلفان در مقام تألیف

کتب فلسفی که

حاوی مسائل فلسفه است

اقوال و عبارات دیگران را

نیز نقل می‌کند،

اما هیچ‌گاه نظریات

فلسفی دیگران را

به خود نسبت نمی‌دهد.

او حتی برخی از

ابتکارات خود را

به پیشینیان نسبت می‌دهد

تا بهتر مورد قبول

واقع گردد.



از نظر استاد مطهری فلاسفه مسلمان از تعالیم اسلامی به ویژه قرآن و روایات برای تصحیح و تکمیل فلسفه سود جستند. اقبال مسلمانان به تفکر و مطالعه موجب ظهور مشرب‌های مختلف فکری در جهان اسلام شد، مانند علم کلام، تصوف، فلسفه مشایی، اشراقی و حکمت متعالیه. یکی از عوامل رشد و توسعه فلسفه اسلامی پرسش‌هایی بود که متکلمان اسلامی در فهم و تبیین عقاید اسلامی طرح کردند. از این رو بسیاری از مسائل جدید در فلسفه اسلامی ریشه در مباحثات متکلمان دارد.

آیت الله مطهری در همه مشرب‌های فکری اسلامی قدمی را سخ دارد، اما بیش از همه دلبسته حکمت متعالیه است. از نظر او حکمت متعالیه دربردارنده همه روش‌های اصلی در تحصیل معرفت است و اوج کمال فلسفه است. وی می‌نویسد: «فلسفه صدرا از یک نظر به منزله چهار راهی است که چهار جریان، یعنی حکمت مشایی ارسطویی و سینایی، و حکمت اشراقی سهروردی، و عرفان نظری محیی الدینی، و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم آورده، رودخانه ای خروشان را به وجود آورده اند. از نظر دیگر، به منزله صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها افزوده شود و به آن‌ها ماهیت و واقعیت نوین می‌بخشد که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه صدرا یک نوع جهش است که پس از یک سلسله حرکت‌های مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است.»^۶

شهید مطهری در جای دیگر نه علم کلام، بلکه معارف اسلامی را یکی از چهار نهر سیراب کننده فلسفه ملاصدرا می‌داند.^۷ ملاصدرا راه‌های عقل و وحی و مکاشفه را به هم متصل کرد. ملاصدرا بیش از اینکه آرای متکلمان را برگردد به نقد آنها پرداخته است.

مطهری با این نظر مخالف است که فلسفه اسلامی به تدریج به سمت کلام گرایید. از نظر او باید گفت که کلام بتدریج تسلیم فلسفه و در نهایت در آن هضم شد. فلسفه اسلامی حتی یک قدم به سمت کلام نرفت. تأثیر کلام بر فلسفه از جهت تشکیکاتی است که متکلمان طرح کردند و در پی آن فلاسفه به چاره جویی و یافتن راه حل پرداختند،^۸ نه اینکه فلاسفه آرای متکلمان یا روش آنها را پذیرفته باشند.

فلسفه ملاصدرا صرفاً تلفیق اندیشه‌های گذشته نیست، بلکه نظام فلسفی اصیل و بدیعی است که از منابع مختلف گذشته به عنوان ماده خام برای صورتی جدید از فلسفه بهره برده است.

برخی از پیروان حکمت مشاء مانند ابوالحسن جلوه و شاگردش ضیاء الدین دری با ارائه منابع فلسفه ملاصدرا کوشیده اند ملاصدرا را متهم به اخذ و نقل اقوال دیگران و فاقد اصالت و ابتکار در فلسفه نشان دهند. از نظر مطهری این ادعا خطاست. ملاصدرا مانند بسیاری دیگر از مؤلفان در مقام تألیف کتب فلسفی که حاوی مسائل فلسفه است اقوال و عبارات دیگران را نیز نقل می‌کند، اما هیچ‌گاه نظریات فلسفی دیگران را به خود نسبت نمی‌دهد. او حتی برخی از ابتکارات خود را به پیشینیان نسبت می‌دهد تا بهتر مورد قبول واقع گردد. ارکان فلسفه او اصول ابتکاری خود اوست. مطهری بیست و دو مسئله اصلی از حکمت متعالیه را که ملاصدرا در آنها به نوآوری پرداخته است برمی‌شمارد و درباره برخی توضیحاتی را ذکر می‌کند.^۹

پی‌نوشت‌ها

۱. نظری اجمالی به سیر فلسفه در اسلام، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۲۱.
۲. همان، ص ۲۶.
۳. اصول فلسفه و روش رئالیسم، مجموعه آثار، ج ۶، ص ۳۶.
۴. نظری اجمالی به سیر فلسفه در اسلام، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۳۱.
۵. همان، ص ۳۲.
۶. خدمات متقابل اسلام و ایران، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۱۱۲.
۷. فلسفه اسلامی پیش از ملاصدرا، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۲۳۴.
۸. همان، ص ۲۳۳.
۹. حکمت صدرالمتألهین، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۲۵۴.

استاد مطهری با اینکه
فلسوفی صدرایی بود،
اما استقلال رأی داشت و
نقد اندیشه‌ها پیشه او بود.
او حتی برخی از
آرای استاد بسیار
محبوب و مورد احترامش
علامه طباطبایی را نیز
مورد نقادی قرار می‌داد.
مثلاً او در بحث
اعتباریات رأی علامه را
نقد و نظری متفاوت
با نظر علامه
اتخاذ می‌کند.